

نسبت نظریه نظام انقلابی با حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکرد بر اندیشه مقام معظم رهبری

علی اخترشهر*

چکیده

حکمرانی مطلوب و نظریه نظام انقلابی ایده‌ای است که به دنبال آن است که دولت‌ها و به‌طور کلی ساختار اداری و سیاسی را به سمتی هدایت کند که کمترین فساد و آسیب درونی بروز کند. هدف این است که میزان سازگاری و کارایی این دو با هم بررسی و نسبت بین این دو معلوم گردد. روش تحقیق این پژوهش، تحلیل محتوایی است و پرسش اصلی مقاله این است که چه نسبتی بین حکمرانی مطلوب و نظریه انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری وجود دارد و راه رسیدن به آنها چگونه هست؟ به نظر می‌رسد مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی مطلوب و نظریه نظام انقلابی، تضاد و تعارضی با هم در اندیشه مقام معظم رهبری ندارد و راه رسیدن به آن، از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود.

واژگان کلیدی

حکمرانی مطلوب، نظام انقلابی، مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی، دولت‌سازی.

طرح مسئله

حکمرانی مطلوب، یکی از ایده‌های نو در حیطه اداره جامعه به‌شمار می‌رود که امروزه، در محافل سیاسی، اجتماعی و در میان نظریه‌پردازان مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی حکمرانی مطلوب، دگرگونی آن در پرتو زمان و طرح دیدگاه‌های جدید برای اداره جامعه است که در واقع به‌عنوان ایده‌های مبتنی بر شناسایی چالش‌های دنیای کنونی و نیز ارائه راه‌حل، برای آنان است. حکمرانی مطلوب؛ نوعی سیاست‌گذاری، جهت اداره جامعه است که البته در میان مکاتب سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف، دگرگونی‌های در طول زمان تفاوت‌های قابل‌توجهی دارد. از جمله اینکه در آموزه‌های اسلامی، نوعی عمل بر مبنای شریعت در نظر گرفته می‌شود که ضمن توجه به اصول کلی آن، تغییرات و تحولات زمانه را نیز، مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین حکمرانی مطلوب اسلامی در اصل، وسیله‌ای برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و عمل بر مبنای احکام و آموزه‌های اسلامی است. از طرفی مقام معظم رهبری می‌فرماید: «هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها. (بیانیه گام دوم، ص ۱۳) ایشان خاطرنشان می‌کنند که انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی، نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. (همان)

مفاهیم و کلیات

حکمرانی

وقتی از حکمرانی سخن به میان می‌آید، حکمرانی خوب، حکمرانی مطلوب به یک معنی اراده می‌شود. حکمرانی (Governance) مفهومی وسیع‌تر از حکومت (Government) دارد. تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصاد سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال، در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به‌طور مصطلح «بخش حکومتی» نام داد. اما حکمرانی، شامل بخش حکومتی همراه با دو بخش مجزای دیگر، (بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی) نیز می‌شود. این تعریف هم به بخش حکومتی و هم به بخش اقتصادی و سیاسی توجه دارد. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را به‌نحو مؤثرتری انجام دهند، بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد (امامزاده‌فرد، ۱۳۹۰: ۳۵). از این منظر، نظام حکمرانی جامعه، عهده‌دار تصمیم‌گیری و ایجاد

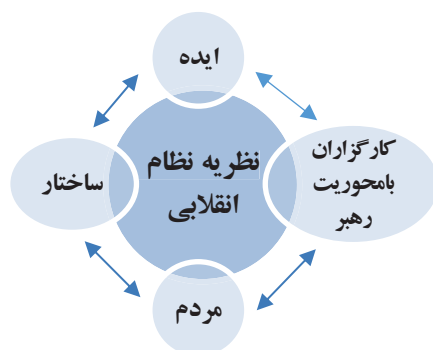
سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است. نیومایر (۲۱۱۲) حکمرانی را «طریقی می‌داند که در آن خط مشی‌گذاران، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که بر اساس آن تصمیمات، امکان تحقق حقوق شهروندی فراهم می‌شود». (ابراهیم‌پور وزاهدی، ۱۳۹۸: ۱۱) شاید دقیق‌ترین تعریف حکمرانی، در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی باشد؛ «حکمرانی مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند» (میدری، ۱۳۹۸: ۹۸). «حکمرانی اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی واداری برای مدیریت امور کشور در همه سطوح است. حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و ارزیابی را در برمی‌گیرد و شامل سازوکارهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منابع خود را دنبال و حقوق قانونی‌شان را اعمال کرده، تعهدات خود را عملی می‌کنند و اختلاف نظرها را به بحث می‌گذارند» (چیبامبو، ۲۱۱۸؛ به نقل از ابراهیم‌پور و زاهدی، ۱۳۹۸).

بنابراین از تعاریف مختلف، می‌توان به این جمع‌بندی رسید؛ فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است. علاوه بر آن، موفقیت حکمرانی معمولاً با ویژگی‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایت‌مندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی و امثال آن سنجیده می‌شود. در جهان امروز که آکنده از پیچیدگی‌های روزافزون، رشد و گوناگونی فزاینده نیروهای اجتماعی و تشکل‌های مدنی و رشد شتابان آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی است، حکمرانی دیگر نمی‌تواند صرفاً مقوله‌ای مرتبط با حکومت و دولتمردان تلقی شود، بلکه بایستی مقوله‌ای ناظر به تعامل دوطرفه حکومت و نهادهای مدنی و مردم تلقی شود و همین امر، نحوه گسترش همکاری مردم و نهادهای مدنی با حکومت، تعامل معطوف به ایجاد انگیزه‌های مثبت برای همزیستی مسالمت‌آمیز مدنی و نقد منصفانه، انتقادپذیری، نظارت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی متقابل در حکومت، وحدت، انسجام ملی و اقتدار ملی را فراهم می‌آورد.

نظریه نظام انقلابی

«نظریه به معنای مجموعه‌ای منسجم و دقیق از مفاهیم، تعاریف و گزاره‌های مرتبط و منطقی است که یک اندیشه و ایده نظام‌مند را در ساحت خاصی مورد مطالعه قرار می‌دهد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۵). از طرفی، نظریه نظام انقلابی در اندیشه رهبری همچون هر نظام سیاسی، چهار مؤلفه اساسی دارد که عبارتند از:

۱. **رکن نظری:** بنیان‌های نظری، ایده‌ها، آرمان‌ها، ارزش‌های بنیادی، مرام‌نامه (ایدئولوژی) و نظریه مشروعیت یا بُعد ایدئولوژیک حاکمیت سیاسی؛
۲. **رکن ساختاری:** قانون اساسی، هنجارها و عرف سیاسی - اجتماعی، قوانین مادر و عادی، نظام‌اداری؛
۳. **رکن کارگزاری:** رهبران و مقامات عالی، نیروهای حفاظتی (ارتش، قوای مسلح، پلیس و غیره) سیاست‌گذاران، اندیشمندان، و غیره (قیصری و قربانی، ۱۳۹۴: ۱۴۸ - ۱۲۹)؛
۴. **رکن مردم یا امت در گستره اندیشه اسلامی.**
هر کدام از عوامل و ارکان چهارگانه، بر یکدیگر تأثیرگذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. (نمودار ۱)



در بیانیه گام دوم و نظریه نظام انقلابی، منظور از انقلابی همان؛ معنای اسم مصدری آن یعنی انقلابی‌گری است که وصفی برای چهار مؤلفه نظام تفکر انقلابی، ساختار انقلابی، کارگزار انقلابی و مردم انقلابی قرار می‌گیرد (نوروزی، ۱۴۰۰: ۲۸). واژه نظام؛ در اصطلاح نظام انقلابی بیانگر ضلع‌های چهارگانه است که موصوف به وصف انقلابی می‌شود. نظریه نظام انقلابی، پس از فروپاشی نظام سلطنتی براساس انقلاب ظهور یافت. تبیین ابعاد این نظریه در بستر سیر تحولات سیاسی - اجتماعی داخلی و خارجی آن مستلزم نگاه متوازن، به رابطه چهارمؤلفه؛ ایده، عنصر رهبری، ساختار و مردم است. براین اساس، تبیین پدیده انقلاب اسلامی، مستلزم توجه به نقش فعالانه کارگزاران آن یعنی رهبری، مردم و ایده‌ای است که آنها را به هم، پیوند می‌دهد (های، ۱۳۸۵: ۴۰۴).

پیشینه تحقیق

در باب حکمرانی خوب، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته شده است، که بررسی این مقاله‌ها ما را به چهارچوب نظری بحث نزدیک می‌کند.

غلامعلی قاسمی و همکاران، در کتاب *اصول حکمرانی مطلوب: حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، رهیافت قرآنی و دیدگاه حقوقی* به این امر تأکید می‌کند که امر حکومت و حکمرانی در جهان معاصر،

از شکل بسیط و صلاحیت محدود خود، به حفظ امنیت و مرزها و اخذ مالیات فراتر رفته است و به یک مفهوم و ساختار پیچیده با انبوهی از تجارب و روش‌ها تبدیل شده است.

نوربخش و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی علیه السلام»؛ آموزه‌هایی نظیر عدالت، حقوق گروهی، مبارزه با ظلم و فساد، و حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی را از جمله مصادیق حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، می‌داند.

مرشدیزاد (۱۳۹۶)، در مقاله «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»؛ به این نتیجه می‌رسد که اگر قرار باشد تمدن نوین اسلامی در آینده رخ دهد، ضرورت پرداختن به حکمرانی مطلوب و توجه به عناصر اصلی آن یعنی؛ مشارکت، اجماع، حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، شفافیت، کارایی و اثربخشی امری لازم است.

علویان و زارع پور (۱۳۹۶)، نیز در مقاله «شاخصه حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی» امکان طرح نظریه بومی بر مبنای ولایت فقیه، در اندیشه جوادی آملی را امکان‌پذیر می‌داند که مبتنی بر مشورت، امر به معروف و نهی از منکر و عدالت شکل می‌گیرد.

از طرفی در باب نظریه نظام انقلابی، کتاب‌ها و مقاله‌های مختلفی به رشته تحریر درآمده است که هرکدام از این کتاب‌ها و مقاله‌ها به شرح و بسط این نظریه پرداخته‌اند. اما نوآوری این پژوهش در این است که تلاش دارد نسبت بین این دو را از دیدگاه رهبری واکاوی کند.

چهارچوب نظری بحث

پرسش اصلی در این مقاله این است که چه نسبتی بین حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری وجود دارد و راه رسیدن به آنها چگونه هست؟ جهت کشف نسبت بین حکمرانی مطلوب با نظریه انقلابی، با توجه به تعاریف ارائه شده باید گفت: که نخست؛ در علم منطلق وقتی از نسبت دو چیز بحث می‌شود، از چهار حالت؛ تساوی، تباین، عموم خصوص مطلق و من وجه خالی نیست، دوماً؛ وقتی از روش بحث می‌شود (روش در این مقاله) روش مقایسه است. اگر نسبت بین حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی براساس یک مُدل ترسیم شود می‌توان آن را بر مبنای روش «مقایسه‌ای» انجام داد. زیرا در بررسی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برای تطبیق دو یا چند موضوع بهترین شیوه، استفاده از روش مقایسه‌ای است چنان‌که روش مقایسه‌ای؛ به نظر رُو «ارایه نوعی مدرک تجربی در تلاش برای مقایسه نظام‌مند آشکار پدیده‌های سیاسی می‌باشد» (مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۱). دلیل عمده برای پژوهش مقایسه‌ای، منعکس‌کننده ماهیت اساسی پژوهش در علوم اجتماعی است.

مقایسه در فرهنگ لیتره، عبارت است از: «بررسی همزمان شباهت‌ها و اختلاف‌ها، این تعریف به‌خوبی نشان می‌دهد که در مقایسه فرض بر وجود شباهت‌ها و اختلاف‌هاست، یعنی دو چیز کاملاً یکسان و یا کاملاً مختلف را با هم مقایسه نمی‌کنند. بلکه باید میان چیزهای مورد مقایسه شباهت‌هایی وجود داشته باشد، همه دشواری در تعیین درجه این شباهت است» (دوورژه، ۱۳۵۷: ۳۰۸).

پژوهشگر در این مقاله با نقد و بررسی حکمرانی در غرب و نقد نظام سیاسی غربی به امر حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی مورد نظر رهبری دست خواهد یافت و نسبت بین آن دو را کشف خواهد نمود.

الف) نظریه حکمرانی مطلوب، مفهوم دولت و حکمرانی در تعبیر امروزی و مباحث مربوط به حدود اختیارات، قدرت‌ها، از قرن شانزدهم میلادی در ادبیات حوزه اندیشه وارد شد و تا به امروز دچار دگرگونی و فرازونشیب‌های گوناگونی شده است که در دهه اخیر، تحت واژه حکمرانی خوب (یا حکمرانی مطلوب، یا شایسته) در جامعه جهانی فراگیر شده است. از طرفی تلقی واحد و اجماع‌نظر مشترکی بین دو مفهوم «دولت» و «حکومت» وجود ندارد. زیربنای فکری این مقاله براین مبنا است که حکمرانی خوب، نتیجه تعامل همه قوای یک کشور است. در هر جامعه، دولت خوب نیازمند تصویب قوانینی است که مشروعیت و اقتدار را برای جامعه خود به ارمغان بیاورد و همین امر سبب می‌شود که واژه حکمرانی خوب به واژه دولت خوب غلبه کند. بنابراین زیربنایی‌ترین اهرم، در محور یک حکمرانی خوب، مشروعیت آن حکمرانی است که به دنبال این مشروعیت، سایر مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب به میان کشیده می‌شود.

بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ (توسط کافمن، کری و ماسترازی) انتشار داد، حکمرانی مطلوب دارای شش شاخص است: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد (آرنت و عمان، ۲۰۰۸: ۱۱). بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، در بخش خصوصی رشد مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ‌ومیر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد (پورآقایی، ۱۳۸۳). برعکس، هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد به همان اندازه، رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت (حسین تاش، ۱۳۹۳: ۸ - ۲۷). با توجه به دیدگاه‌های مزبور می‌توان دو نقد اساسی براین نظریه وارد کرد. یکم؛ نگاه اقتصادی به مسئله حکمرانی مطلوب است. دوم؛ نگاه ماده‌گری، اومانیسیم و سکولاریسم به این امر است که در محور بعدی به نقد آن خواهیم پرداخت.

از طرفی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، رهبر انقلاب اسلامی ایران، در دیدار با دولت جمهوری اسلامی ایران در شهریور سال ۱۳۸۵، شاخص‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را این‌گونه تبیین و اعلام می‌کنند:

۱. عدالت‌طلبی؛

۲. مبارزه با فساد؛

۳. سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه. تحقق این امر با حصول شرایط زیر امکان‌پذیر است؛ ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عملی که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا و تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی؛

۴. شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی؛

۵. نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها؛

۶. قانون‌گرایی؛

۷. بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، شامل پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه‌های ملی (محیط زیست) و توجه به فرهنگ به‌عنوان محیط زیست انسانی در جامعه؛

۸. مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸:

۱۱۵ - ۱۱۴).

بدین ترتیب، علاوه بر نظریه‌پردازان غربی، حکمرانی شایسته، در اندیشه اسلامی نیز دارای جایگاه خاصی است. تصمیمات و سازوکارها در حوزه حکمرانی اسلامی می‌تواند از طریق عمل به قواعد حکومتی، نهادها، مؤلفه‌های رفتاری، نظام عادات و نظام سنت‌های الهی حاصل شود. این نگرش به نظام حکمرانی، آن را فراتر از نظام حکومت اسلامی معرفی می‌کند؛ اگرچه حکومت اسلامی در آن نقش ویژه‌ای دارد. نخ تسبیح همه تصمیمات و سازوکارها نیز حاکمیت اراده و سنن، اوامر و دستورات الهی است (مقصودی، ۱۳۹۶: ۷۶). لذا تأکید حکمرانی اسلامی بر اجرای دقیق آموزه‌های الهی در تمامی ابعاد جامعه است که در آن حاکمان اسلامی در راستای حاکمیت خدا و رسول خدا ﷺ گام بر می‌دارند.

ب؛ نظریه نظام انقلابی؛ بنابر نظریه مشهور به «نظریه چرخشی انقلاب‌ها» یا ترمیدور، مسیر هر انقلاب محتوم و جبری می‌باشد و معتقد است در هر انقلاب، مراحل طی می‌شود و پس از فراز و نشیب‌هایی، در نهایت اصول حاکم بر آن انقلاب به اصول حاکم بر پیش از انقلاب تغییر جهت می‌دهد. از این‌رو، ارزش‌های انقلاب هم دچار تغییر شده، و به ارزش‌های پیش از انقلاب، باز می‌گردد. پس قائلان به این نظریه، یک حالت چرخشی برای انقلاب قائل هستند و معتقدند هر حکومتی در نهایت، بازگشت به همان حکومت سابق خواهد کرد و ارزش‌های سابق در جامعه، و به‌ویژه در میان زمامداران، حکمفرما خواهد

گردید (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۰ - ۱۲۳). گذر زمان، موجب افول انگیزه‌ها و شور انقلابی و شکل‌گیری یک نظام حکومتی معمولی می‌شود و به تدریج آرمان‌ها و اهداف انقلاب فراموش شده، ضوابط و چهارچوب‌های بروکراتیک رایج، جایگزین دغدغه‌ها و رسالت‌های انقلابی می‌گردد. کارکرد طبیعی این نظریه، بی‌خاصیت نشان دادن انقلاب‌ها و تضعیف تحرک انقلابی در جوامع استبدادی و تحت‌سلطه است که بیهوده بودن انقلاب را به نیروهای پویا و فعال اجتماعی القا می‌کند و بذریعۀ آن را در جامعه می‌پاشد و به سکوت در برابر ظلم و استبداد و سازش با هر وضعیت نامطلوب اجتماعی منجر می‌شود (ذوعلم، ۱۴۰۱: ۴۵).

اما از دیدگاه انقلاب اسلامی، در صورت حفظ آرمان‌ها و اصالت‌های انقلابی برآمده از اسلام اصیل و ناب، نظام پس از انقلاب، می‌تواند نظامی انقلابی باشد و در برابر دو گزینه بدیل - یعنی نظام بروکراتیک و محافظه‌کار و وضعیت انقلابی بدون انضباط و قانون - نظام انقلابی را تحقق بخشد. نظریه نظام انقلابی، یعنی اعتقاد به امکان شکل‌گیری یک نظام برخوردار از قانون و ساختار و نهادهای رایج حکومتی، اما در عین حال انقلابی، پویا و تحول‌خواه (همان: ۴۶).

نقد و ارزیابی حکمرانی مطلوب غربی و نظریه نظام سیاسی از منظر رهبری

همان‌گونه که در باب شاخص‌های حکمرانی مطلوب ملاحظه شد، هدف اصلی در این الگو، توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین‌المللی و نظریه‌پردازان، در حکمرانی مطلوب، مهم این است که دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می‌تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد. از طرفی علوم اجتماعی غربی، بر این باور است که نهضت نمی‌تواند با نهاد سازگار باشد و زمانی که نهضت به نهاد تبدیل می‌شود، خواه ناخواه دوران نهضت، به سر خواهد آمد. این امر به آن دلیل است که؛ ذات نهضت، پویایی است و ذات نهاد، «ایستایی»، و این دو امر متناقض، در محل واحد جمع نمی‌شوند. از این رو، «نظام انقلابی» تعبیری متناقض‌نما و متناقض‌الاجزاست. هنگامی که انقلاب به نظام تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان سخن از انقلاب گفت و به روش‌ها و مقاصد انقلابی تن داد و ادعای انقلابی‌گری داشت. بر این اساس، کسانی، اصلاح‌راچایگزین انقلاب کردند یا نظام را، آن عده که اصلاح و اصلاح‌گری را می‌ستایند، به مذمت انقلاب می‌پردازند و انقلاب را به واقعیتی آغشته به هیجان‌های کورکورانه، دشمن‌تراش و بلندپروازانه متهم می‌کنند که ما را به ناکجاآباد سوق می‌دهد. و کسانی که نظام جمهوری اسلامی را جایگزین انقلاب اسلامی می‌شمارند، بر این باورند که باید میان این دو، یکی را انتخاب کنیم؛ یا باید دوران انقلاب و انقلابی‌گری را، تمام شده فرض کنیم و به قواعد حکمرانی متداول گردن نهیم، یا معترضانه و ناسازگارانه، در برابر دنیا قرار بگیریم و فریاد بزنیم. حال آنکه هر دوی این برداشت‌ها، خطاست (قربانی، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

از طرفی در اندیشه مقام معظم رهبری الگو و شاخصه حکمرانی مطلوب با نظام سیاسی غربی به عنوان ابزار توسعه در غرب، چند مشکل اساسی دارد: یکم؛ حکمرانی مطلوب از نظر هستی‌شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. دوم؛ از نظر انسان‌شناسی، معتقد به اومانیزم است و همه‌چیز را در محور انسان - نه خدا - ارزیابی می‌کند. سوم؛ از نظر معرفت‌شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است. بنابراین، به دیگر عوامل معرفت توجه ندارد. چهارم؛ از نظر روش‌شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی‌آید، انکار می‌کنند.

بدین‌روی حکمرانی مطلوب یکم؛ به بُعد معنوی انسان توجه ندارد. حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. دوم؛ این الگو تنها به بعد جسمانی انسان بسنده نموده، به بعد روحانی و متعالی انسان توجه ندارد. به عبارت دیگر، این الگو تنها می‌تواند یک جامعه توسعه یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد. سوم؛ حکمرانی مطلوب مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیزم است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است، یعنی در تفکر لیبرالیستی، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد.

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی مطلوب به عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری می‌نویسد: «الگوی غرب برای توسعه، یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند» (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۷۶). ایشان، به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می‌نویسد: «به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می‌تواند قربانی پیشرفت مادی شود» (همان).

برعکس حکمرانی مطلوب، حکمرانی متعالی (حکومت علوی) همیشه ارزش‌های معنوی را بر مصالح مادی مقدم می‌دارد. امام علی علیه السلام در یک سخنرانی در باب امامت و خلافت، فرمودند: اگر پایه‌های دین را استوار نگاه دارید هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی‌رساند؛ ولی هرچه را که از دنیا به دست آورید در صورتی که دین‌تان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد (نهج‌البلاغه، ح ۱۷۳). ایشان به فرمانداران و کارگزاران حکومت خود می‌فرمودند: مبدا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباه سازید (همان: ح ۱۰۶).

«بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد ولی به ارزش‌های معنوی

صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش‌های معنوی، خسارت‌های دنیوی فراوانی برجای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدید مواجه می‌کند» (سروش محلاتی، ۱۳۸۰: ۵۶ - ۴۸).

مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی متعالی) بر حکمرانی مطلوب می‌نویسد: «اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند.» همچنین ایشان می‌نویسد:

در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان‌بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷).

ایشان بر این باور است که؛ اختیار انسان برای پیمودن مسیر خودپرستی تا خداپرستی، به منظور رسیدن به رستگاری در دیدگاه اسلام، و مذموم بودن دل‌بستگی به دنیا در این مسیر، یک اصل است. در عین حال، اسلام از زاویه اجتماعی، وظیفه انسان را مدیریت دنیا و استفاده از استعدادها و فراوان طبیعی برای آبادانی دنیا می‌داند. الگوی پیشرفت مبتنی بر معنویت، مدل مطلوب توسعه است (همان).

حکمرانی متعالی عبارت است از: فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند به انبیا، اولیا، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور رسیدن افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی متعالی (شایسته) از بُعد هستی‌شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشئت گرفته از او می‌داند. از بعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه معرفت‌های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعدی مادی و معنوی می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد. به عبارت دیگر، در حکمرانی شایسته، هر چند دنیا و زندگی در آن، اهمیت بسیاری دارد؛ اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی متعالی (شایسته) مبتنی بر جهان‌بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می‌نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار ببندند. به بیان

دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اُخروی استفاده کنند. با توجه به مبانی نظری، گاهی حکمرانی شایسته با حکمرانی مطلوب در برخی شاخص‌ها - مانند پاسخ‌گویی - اشتراک دارند، ولی این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت‌اند؛ زیرا مبانی نظری آنها تفاوت دارند.

لذا حکمرانی غربی از منظر رهبری با مشکلات عدیده‌ای مواجه هست، از جمله؛ گسترش و افزایش شکاف‌های طبقاتی و فقر فزاینده طبقات پایین، بت‌وارگی کالاها و شیئی شدن روابط انسانی که به از خودبیگانگی انسان انجامیده است، دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های بزرگ و احزاب توده‌ای، قفس‌های آهنینی به شمار می‌روند که آرمان‌های آزادی و برابری را محدود می‌کنند. تنوع‌گرایی و لذت‌طلبی و نسبی‌گرایی اخلاق موجب شیوع بسیاری از بیماری‌ها، استعمال مواد مخدر، از بین رفتن روابط عاطفی و سست شدن بنیان خانواده در این‌گونه جوامع است، تمدن غرب را با وجود پیشرفت‌های فراوان مادی آن، نبود معنویت و آرمان‌های الهی دانسته و گفتند: انحراف‌های گوناگون فکری، عملی و اخلاقی، متلاشی شدن بنیان خانواده، خشونت روزافزون، فساد اخلاقی و خودکشی‌ها در جوامع غربی به‌ویژه آمریکا، ناشی از همین موضوع است، برخی از متفکرین و اندیشمندان آمریکایی صراحتاً به این شکاف‌ها و آسیب‌ها و نبود اخلاق، اذعان می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳). در جوامع نوین، افراد به دنبال کالاهای مادی در مسابقه‌ای دشوار برای کسب مشاغل یا موقعیت‌های اجتماعی بالاتر گرفتار می‌شوند. جنگ و ناتوانی مدل‌های دموکراسی غربی، به وجود آمدن ایدئولوژی‌های مختلف، استفاده از بمب هسته‌ای، و جامعه‌ای دور از عدالت و آزادی اساسی را رقم زده است. «ثروت یک جمعی را، یک اقلیتی را بالا برده خود آن ثروت موجب شده که علم پیشرفت پیدا کند؛ اما علم ابزاری برای تبعیض و عدم تعادل اجتماعات و عقب‌رفتگی اجتماعی را به ارمغان آورده است» (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۰/۷/۲۶).

«غرب کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای شهادت‌طلبی، تعصب و تحجر و خشونت را به جای اسلام‌گرایی و جهاد، قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی را به جای اسلام‌خواهی و امت‌گرایی، غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی را به جای پیشرفت مستقل، سکولاریزم را به جای علم‌گرایی، سازشکاری را به جای عقلا‌نیت، فساد و هرج‌ومرج اخلاقی را به جای آزادی، دیکتاتوری را به نام نظم و امنیت، مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافی‌گری را به نام توسعه و ترقی، فقر و عقب‌ماندگی را به نام معنویت‌گرایی و زهد قلمداد کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). «از نظر جامعه، لذت نه مجوز اقدام است، نه مجوز تصمیم‌گیری و نه مجوز مشروعیت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

بنابراین نظریه حکمرانی شایسته، درمقابل حکمرانی مطلوب و نظریه نظام انقلابی در مقابل نظریه

نظام سیاسی قرار دارد. لذا نسبت بین حکمرانی شایسته و نظریه نظام انقلابی از منظر رهبری، نسبت تساوی است. علی‌رغم اختلاف جزئی که بین این دو وجود دارد ولی هر دو نظریه، نگاه تعالی‌بخش به امر حکومت و جامعه دارد و تلاش می‌کند، که جامعه را از حالت ایستایی درآورده و به درجه پویایی برساند. براین اساس، تصمیمات و سازوکارها در حوزه حکمرانی اسلامی می‌تواند از طریق عمل به قواعد حکومتی، نهادها، مؤلفه‌های رفتاری، نظام عادات و نظام سنت‌های الهی حاصل شود.

بنابراین در نظریه نظام انقلابی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، اخلاق و معنویت که از شاخصه‌های حکمرانی متعالی است، درهم آمیخته است و هیچ‌کدام موجب نادیده گرفته شدن دیگری نمی‌گردد. در نظریه نظام انقلابی، محافظه‌کاری، مصلحت‌اندیشی‌های فردی و جناحی، حاکمیت رابطه به جای ضابطه و بی‌اعتمادی به مردم، هیچ جایگاهی ندارد و علاوه بر اینکه در قوانین تا جایی که امکان دارد از آنها پیشگیری خواهد شد و در فرهنگ سازمانی دستگاه‌ها و مجموعه‌های اداری نیز، مقابله با آن نهادینه می‌شود. لذا می‌توان گفت که حکمرانی موردنظر مقام معظم رهبری با نظریه نظام انقلابی ایشان در مبانی، اهداف و فرایندها، وجه مشترکی دارند و شاخصه‌هایی مانند دستیابی به ارزش‌ها، رضایت‌مندی، عدالت گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی و وحدت در هر دو نظریه حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلاب قابل مشاهده است.

راه رسیدن به حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی از منظر رهبری

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، راه رسیدن به اصول حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی بر سه پایه استوار است. رسیدن به موارد ذیل، آرمانی‌ترین مسئله در امر حکمرانی و نظریه انقلابی محسوب می‌شود، و این همان چیزی است که رهبری در بیانیه گام دوم به آن اشاره می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بنابراین تحقق نظام انقلابی و حکمرانی متعالی باید سرلوحه خودسازی ساختاری دستگاه‌های حکومتی قرار گیرد و بسترساز شکل‌گیری جامعه اسلامی و دولت اسلامی در حد مطلوب گردد.

| ردیف | نظریه نظام انقلابی | نظریه حکمرانی مطلوب |
|--------------|--------------------|---------------------|
| خودسازی | حاکمیت معنویت | حاکمیت اخلاق |
| جامعه‌پردازی | حاکمیت امت واحد | حاکمیت حیات طیبه |
| دولت‌سازی | مردم‌سالاری دینی | حاکمیت ولایت فقیه |

۱. خودسازی

خودسازی انقلابی را از دو منظر می‌توان بررسی کرد.

الف) مراجعه به مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی. رهبر انقلاب اسلامی سال‌ها قبل مراحل پنج‌گانه‌ای برای انقلاب اسلامی برشمردند، که عبارتند از: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی. خودسازی انقلاب، یعنی عبور از مرحله پیروزی انقلاب و موفقیت در نظام‌سازی و دولت‌سازی. از این منظر، خودسازی انقلاب، به معنای دستیابی انقلاب به توانمندی لازم برای سطح بالاتری از نظام‌سازی و دولت‌سازی است. نظام‌سازی‌ای که براساس نظریه نظام انقلابی صورت پذیرد و دولت‌سازی‌ای که چالش‌های و کاستی‌ها کنونی را در میزان برخورداری دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و حاکمیتی از شاخص‌های دولت مطلوب برطرف سازد (ذوعلم، ۱۴۰۱: ۳۲).

ب) خودسازی عمیق و کارآمد نخبگان و عناصر اصلی انقلاب اسلامی. خودسازی انقلاب از یک منظر دیگر این است که جبهه انقلاب و به‌ویژه نخبگان، رهبران و عناصر اصلی و مؤثر آن، متناسب با سنگینی رسالتی که درگام دوم متوجه انقلاب است و براساس اقتضانات و شرایطی متفاوت با گام نخست، به خودسازی جامعه، عمیق و کارآمد بپردازند و توانمندی و ظرفیت لازم برای جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی طراز انقلاب را درخود ایجاد کنند. لذا باید این خودسازی همه‌جانبه و در عرصه‌های فکری و معرفتی، ایمانی و اعتقادی، عملی و رفتاری، علمی و آموزشی، اخلاقی و تربیتی، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... باشد (همان: ۳۲).

ج) ارائه سبک مفهومی خودسازی؛ در اندیشه رهبری در حوزه خودسازی می‌توان یک سبک مفهومی ارائه داد. ازجمله اینکه ابعاد خودسازی را می‌توان، خودشناسی و رستگاری، هدف‌داری و آینده‌نگری، معنویت و اخلاق، کسب معرفت، تقویت روحیه و خودباوری، قدرت اراده و ایمان دانست (رودگرژاد، ۱۴۰۰: ۱۳ - ۱). همه اینها ذیل مفهوم خودسازی و تهذیب نفس قابل بررسی است.

از طرفی خودسازی و تهذیب نفس ازجمله مسایل مهمی است که فراوان مورد تأکید و توجه آیین مقدس اسلام قرار گرفته است و نقش محوری و اساسی در رسیدن انسان به مدارج عالی انسانی و کمالات اخلاق را دارد. معنویت از ارکان واقعی انقلاب اسلامی بوده و مایه حیات انسان است (مطهری، ۱۳۶۷: ۶۰ / ۱۷۲). قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی کرده است و فساد اخلاق را منشأ رذالت‌ها و بدبختی‌ها و مایه زیان می‌شناسد. (به حقیقت که رستگار شد آن کس که خود را از هر ناروا و پلیدی پیراست و زیان کار شد آنکه به زشتی و ناروا آلوده گشت) (شمس / ۱۰ - ۹).

از این آیه می‌توان استفاده کرد که نفس انسان، قابلیت تزکیه و آلودگی را دارد و این دو، با انتخاب و اختیار انسان انجام می‌پذیرد. او اگر خواست نفس خویش را پاکیزه قرار می‌دهد و اگر نخواست آن را آلوده می‌سازد.

در اندیشه رهبری خودسازی نقش بسزایی دارد. ایشان در باب اهمیت تزکیه نفس فرمودند:

آن کس که خود را رهبر مردم می‌داند بر او است که پیش از تعلیم دیگران به آموزش خویش بپردازد و بایستی پیش از آنکه به زبان تعلیم دهد، عملاً مردم را با پروردگار آشنا سازد و آن کسی که به ادب و آموزش خویش پرداخته و به خودسازی کمر همت بسته است، به احترام سزاوارتر است از آن کسی است که دیگران را تعلیم و تربیت کند (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۰/۷/۲۰).

در نظر ایشان، دنیاگرایی، به‌عنوان یک فکر مورد مذمت اسلام است، و به تعبیر زیبای پیامبر اسلام «راس کل خطیئه حب الدنيا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۱۵)، تهدیدی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. دین اسلام، دین میانه‌روی است و استفاده از زیبایی‌های طبیعت و اسباب و لوازم مناسب با آن توصیه و سفارش شده است. دنیاطلبی آن است که برای خود بخواهد؛ برای خود حرکت کند؛ و به فکر جمع کردن برای خود باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۱۸). بر این اساس، دو عامل، موجب گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. دوم «و اتبعوا الشهوات»؛ به دنبال شهوترانی‌ها، هوس‌ها و در یک جمله: دنیاطلبی باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲).

تهدید مهم حکمرانی اسلامی نه از بیرون جوامع اسلامی، بلکه از درون است. بزرگ‌ترین تهدید، بازگشت و سرخوردگی فکری رهبران از اصول اولیه نسبت به اصول مسلم دینی است. تاریخ شاهد رهبران انقلابی بوده است، که یا دچار غرور شده‌اند یا جذب دنیاخواهی، مال‌اندوزی و شهوت‌پرستی گردیده و در مراحل نتیجه‌گیری از ادامه راه کنار کشیده و حتی در مقابل یاران قدیمی صف‌آرایی کرده‌اند. در این میان، برخی‌ها با نام عقلانیت، یا پرهیز از جنجال و دردسر به مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم‌توجه، می‌شوند. بنابراین، نباید از اصول حکمرانی و شعارهای اسلام عقب‌نشینی صورت بگیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۱۹).

در حکمرانی اسلامی، فرد نباید غرور داشته باشد. منشأ این غرور، جهالت یا وسوسه‌های شیطانی است. از پیامدهای غرور که زندگی انسان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد و دنیا و آخرت را تباہ می‌کند، افکنده شدن حجاب بر عقل، شکست در زندگی، فساد و تباهی عمل می‌باشد. امام سجاد علیه السلام در دعای چهل‌وششم صحیفه سجّادیه می‌فرماید: «و الشّقاء الأشقی لمن اغترّ بك»: بالاترین شقاوت‌ها (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸؛ ۱۳۹۰/۵/۱۶). غرور است که باعث انحراف‌ها و انحطاط‌های گوناگونی خواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۱۸).

بنابراین در اندیشه مقام معظم رهبری، شرط اول، جهت حکمرانی مطلوب، ساختن و تربیت نفس انسانی هست، حال این امر شامل همه افراد جامعه از طبقه پایین‌دستی تا بالادستی می‌شود. نتیجه خودسازی، ایجاد

نسبت نظریه نظام انقلابی با حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکرد بر اندیشه مقام معظم رهبری □ ۴۱

روحیه انقلابی است. معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند، از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده روشن حرکت می‌کند، انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است، این روحیه انقلابی را باید حفظ کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۸/۱۲).

۲. جامعه‌پردازی

در اندیشه مقام معظم رهبری، سخن از جامعه‌پردازی است نه جامعه‌سازی. جامعه‌پردازی، تعبیر عمیق و ناظر به دگرگونی و تحوّل جامعه، از درون است. پردازش به معنای سامان‌یابی، نظام‌دهی، آراسته شدن و صیقل یافتن جامعه که بدون خودسازی مقدور نخواهد بود (ذوعلم، ۱۴۰۱: ۳۵). جامعه‌پردازی در جامعه با برطرف ساختن موانع امکان‌پذیر است. با ظهور انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن مهم‌ترین مانع بازدارنده افق تمدنی در روند نیل جامعه به کمال و حیات طیبه برطرف گردید. طی مراحل تحقق دولت اسلامی، مشارکت مردم در قالب جامعه‌پردازی ممکن می‌شود. راهبرد دشمن ایجاد فاصله میان مردم و نظام اسلامی است و جامعه‌پردازی مقوله‌ای است که امروزه مورد توجه دوست و دشمن قرار می‌گیرد (نوروزی، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

انسان اجتماعی برای بقای خود به دیگران نیاز دارد و شیوه‌های بقا را از جامعه آموخته و دوباره و چندباره اجتماعی می‌شود (سرپرست، ابراهیم، ۱۳۹۸: ۳۰۲ - ۲۸۱). جامعه یعنی «سازمانی اجتماعی متشکل از مردمان اجتماعی و کنشگران است که دارای تاریخ، فرهنگ، ساختار مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی و معمولاً زبان و هویتی مشترک هستند» (شارون، ۱۳۹۸: ۷۲).

رهبر معظم انقلاب مراحل پنج‌گانه‌ای را برای انقلاب اسلامی در راستای رسیدن به جامعه اسلامی بیان فرموده‌اند که یکی از آن مراحل، جامعه‌پردازی است. جامعه‌پردازی مورد تأکید رهبری به معنی تلاش برای ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل است که مردم در ساحت شخصی و اجتماعی آن به‌دنبال ارزش‌های انسانی - اسلامی باشند (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴).

جامعه اسلامی یعنی؛ آن جامعه‌ای که در رأس آن، خدا حکومت می‌کند (امام خمینی، صحیفه امام: ۴۱۰ / ۵). «قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است، حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود، عزل و نصب را خدا می‌کند، در مخروط اجتماعی اگر جامعه را به شکل مخروط فرض و ترسیم کنیم همچنان که معمول و مرسوم عده‌ای از جامعه‌شناسان است در رأس مخروط، خدا است و پایین‌تر از خدا، همه انسانیت و همه انسان‌ها هستند، تشکیلات را دین خدا به وجود می‌آورد، قانون صلح و جنگ را مقررات الهی ایجاد می‌کند، روابط اجتماعی راه، اقتصاد راه، حکومت راه، حقوق راه همه و همه را دین خدا، تعیین می‌کند و دین خدا اجرا می‌کند و دین خدا دنبال این قانون می‌ایستد و این جامعه اسلامی است» (خامنه‌ای، ولایت: ۱۱). و به تعبیر دیگر،

«جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که بر طبق تعالیم و توصیه‌های پیغمبران خدا مردم دارای اندیشه و فکر شده‌اند، قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان دشمن را می‌شناسند، دشمن را دفع می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۱/۹/۱۲). «جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که در آن از تبعیض، ظلم و نابرابری‌ها هیچ نشانه‌ای نباشد، در آن از فقر، از محرومیت خبری نباشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷/۴/۳۱).

اسلام برای جامعه اسلامی، قدرت، صلابت، تمکن مادی و معنوی، آزادی حقیقی از قید همه اسارت‌هایی که بشر را اسیر می‌کند و مبتلا می‌کند، یک چنین چیزی را برای جامعه اسلامی خواسته تا جامعه اسلامی بتواند دنیا را نجات بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۲/۲۶). بنابراین جامعه‌ای می‌تواند هدف یک ملت زنده، بیدار، باهوش قرار بگیرد؛ یعنی آن تصویر آرمانی یک جامعه برای یک‌چنین ملتی، آن جامعه‌ای است که در آن ایمان و معنویت باشد (امام خمینی، صحیفه امام: ۵ / ۴۱۰). عدالت باشد، عزت و قدرت باشد، ثروت باشد، رفاه باشد. اگر بخواهند این مجموعه با هم باشد، بدون معنویت ممکن نیست، بدون آرمان معنوی ممکن نیست، بدون اخلاق ممکن نیست، بدون در نظر گرفتن خدا ممکن نیست، بدون مجاهدت فی سبیل‌الله ممکن نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۱۷). در جامعه اسلامی دائماً باید سیوروت و تحول وجود داشته باشد، تا در این تزریقات بیگانه یا رسوبات گذشته، افراد دگرگون نشوند. در این جامعه‌پردازی هست، که عناصر و اصول حاکم بر حکمرانی مطلوب به خوبی قابل مشاهده است.

۳. دولت‌سازی

نظریات دولت‌سازی از آنجا که به تبیین دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت به شمار می‌روند، با نظریات مختلف دولت‌سازی در تاریخ تمدن‌های غرب و اسلام روبه‌رو بوده‌اند. روند دولت‌سازی در دوران غیبت امام دوازدهم، پس از انقلاب بزرگ اسلامی ایران، با استفاده از تجارب دولت‌سازی در تمدن اسلامی گذشته وارد مرحله جدید و مهمی از دولت‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. اسلام دارای نظامی است که ارکان، ماهیت، چارچوب و اوصافش آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌سازد (موسی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۳ - ۱). در مرحله کنونی، نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نقطه عطف، اولین تجربه تاریخ سیاسی شیعه در مردم‌سالاری دینی استقرار یافت که سازوکار دولت‌سازی موجود در آن بر مبنای فقه سیاسی پویا و محوریت ولایت فقیه با دموکراسی دینی و قانون اساسی برآمده از تجارب عقلی بشری جوامع دیگر به‌عنوان الگوی جدید برای دولت اسلامی در عصر غیبت معرفی گردیده است. با این وجود به نظریه‌های دولت‌سازی به مثابه دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت و همچنین روند دولت‌سازی در تمدن اسلامی گذشته تاکنون به‌عنوان تجربه دولت‌سازی برای الگوی جدید دولت اسلامی پرداخته می‌شود.

در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود. اهمیت تشکیل دولت اسلامی، از این رو است که این گام، هدف میانی است و بر مراحل دیگر این فرآیند ترتیب دارد. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دولت اسلامی فراتر از قوه مجریه و شامل همه دستگاه‌ها، نهادها و مجموعه کارگزاران می‌باشد (نادری و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۴ - ۱). «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲). آنچه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می‌کند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار با ارزش است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸). مقام معظم رهبری در جایی دیگر نیز از همین منظر دولت اسلامی را تعریف می‌نماید: «تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی ... تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

دولت اسلامی به عنوان گام سوم از فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل انقلاب اسلامی دارای اهداف گسترده‌ای است که به نوعی همان اهداف انقلاب اسلامی و خاستگاه اولیه انقلاب هستند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای یکی از این اهداف اصلی ایجاد جامعه عادلانه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۸). البته ایشان در جای دیگری عدل را جزو اهداف میانی برشمرده و می‌فرمایند: «قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است، هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰). ایشان از رستگاری انسان‌ها تعبیر به حیات طیبه می‌کنند که ریشه‌ای قرآنی دارد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای وقتی یک ملت، هم از نظر مادی و زندگی روزمره برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند حیات طیبه محقق شده است که ثمره و هدف نهایی انقلاب است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۷/۲۲).

هدف اصلی دیگر دولت اسلامی فراهم ساختن مقدمات تشکیل جامعه اسلامی است که از طرفی، گام چهارم از فرآیند انقلاب اسلامی نیز به‌شمار می‌آید. جامعه برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه و جامعه‌ای بدون سکون، بدون توقف و در حال پیشروی دائم، در واقع حاصل تشکیل دولت اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴) باید توجه داشت که از نظر ایشان تحقق این اهداف، تدریجی است و باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد «نظام اسلامی، یک نظام پیش ساخته مثل خانه‌های پیش ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد» (آیت‌الله خامنه‌ای؛ ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

جدول ۱: مقایسه نظریه نظام انقلابی با حکمرانی مطلوب

| محورها | نظریه انقلابی | حکمرانی مطلوب | شاخص‌های خرد | شاخص‌های خردتر | |
|-------------------|------------------|------------------|--|--------------------------------|---------|
| رکن نظری | اسلام ناب | اسلام ناب | ایمان به وعده‌های الهی | عقاید اسلامی | |
| | | | | آخرت‌گرایی | |
| | | | | نگاه معنوی به مسئولیت | |
| | | | | شناخت عمیق اسلام | |
| خودسازی | عمل به دستورات | عمل به دستورات | التزام عملی به دستورات دینی | محوریت موازین اسلامی در مدیریت | |
| | | | | اهتمام به مسائل عبادی | |
| | | | | تکلیف‌گرایی | |
| | | | | رعایت تقوا | |
| | | | | تعظیم شعائر اسلامی | |
| | | | | اشاعه فرهنگ اسلامی | |
| | | | | مواجهه اخلاقی با زیرمجموعه | |
| | | | | اسلام‌محوری در سیاست خارجی | |
| | | | | آراستگی به فضایل اخلاقی | استقامت |
| | | | | | شجاعت |
| | | | عدم خودشیفتگی | | |
| | | | صداقت | | |
| | | | ساده‌زیستی | اصلاح نفس | |
| | | | | حق‌گرایی | |
| اخلاص | | | | | |
| پارسایی | | | | | |
| قاطعیت | | | | | |
| تلاش مؤثر | | | | | |
| اهتمام به مسئولیت | مردم‌سالاری دینی | رکن ساختاری | رصد مسائل کشور و کارآمدی در حل آنها | احساس مسئولیت | |
| | | | | قدردانی فرصت‌ها | |
| | | | | شناخت صحیح مسائل کشور | |
| دولت‌سازی | رکن ساختاری | مردم‌سالاری دینی | رصد مسائل کشور و کارآمدی در حل آنها | پیگیری کارها تا به ثمر رسیدن | |
| | | | | اصلاح سازوکارهای اداره کشور | |
| | | | | اهتمام به امور زیربنایی | |
| | | | | توجه به اقتصاد | |
| | | | | اهتمام به پیشرفت کشور | |
| | | | | اهمیت دادن به توسعه علمی | |

نسبت نظریه نظام انقلابی با حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکرد بر اندیشه مقام معظم رهبری □ ۴۵

| | | | | | |
|---------------------------------|---------------------------------------|-------------------------|--------------|--|-----------------------------|
| نظارت مؤثر | مدیریت صحیح زیر مجموعه | | | | |
| شایسته سالاری | | | | | |
| انگیزش | | | | | |
| جوان گرایی | | | | | |
| نخبه پروری | عقلانیت ورزی | | | | |
| تدبیر در امور | | | | | |
| واقع گرایی | | | | | |
| اهلیت علمی | | | | | |
| یادگیری | | | | | |
| تفکر | قانونمداری | | | | |
| | وحدت گرایی اسلامی | | | | |
| | صلح جویی بین المللی | | | | |
| | حفظ انسجام ملی | | | | |
| انسجام مسئولین | همدلی با سایر مسئولان | | | | |
| انصاف در مواجهه با سایر مسئولین | | | | | |
| درک صحیح از نظام | بینش انقلابی | کارگزار صالح | رکن کارگزاری | جامعه سازی (آرمان گرایی عدالت محوری) | |
| اعتماد به مبانی انقلاب | | | | | |
| ولایت مداری | تعهد نسبت به سیاست های اعلامی نظام | | | | |
| پابندی به سیاست های نظام | | | | | |
| حمایت از نظام | | | | | |
| تحقق عینی ارزش های انقلاب | | | | | |
| استکبار ستیزی | مردم سالاری | | | | |
| پاسخگویی در قبال مردم | | | | | |
| - | | | | | آزاداندیشی و احترام به آن |
| - | | | | | خدمت به مردم |
| - | | | | | شناخت صحیح مردم |
| - | | | | | عزتمندی در روابط بین المللی |
| - | | | | | اعتماد به نفس ملی |
| - | | | | | امیدواری |
| - | | ایجاد خودباوری در جامعه | | | |
| - | | تحول خواهی | | | |
| - | | عدل گستری | | | |
| - | | مبارزه با فساد | | | |
| - | محرومیت زدایی | | | | |

نتیجه

در اندیشه مقام معظم رهبری، ضمن نقد اصول حکمرانی غربی و نظام سیاسی غربی، اصول حکمرانی متعالی (شایسته) و نظریه نظام انقلابی را بر عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه، تحقق این امر با حصول شرایط زیر امکان‌پذیر است: ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، وسعت‌نظر (سعه‌صدر) و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عملی که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا، تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها، قانون‌گرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، شامل پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه‌های ملی (محیط زیست)، توجه به فرهنگ به‌عنوان محیط زیست انسانی در جامعه، مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی تأکید دارد. سؤالی که مطرح هست این هست، راه رسیدن به این اصول در منظومه فکری ایشان، چگونه هست؟

در جواب باید بگوییم؛ خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی مقدمه و راهی برای رسیدن به حکمرانی متعالی و نظریه نظام انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری محسوب می‌شود. لذا اصول حکمرانی و نظام انقلابی از نگاه مقام معظم رهبری بر فراهم آمدن، این سه تأکید دارد و با وجود این سه، هم به اصول مطلوب حکمرانی وهم به تمدن‌سازی که نتیجه حکمرانی مطلوب است نایل خواهد آمد. بنابراین رسیدن به مرحله تمدن‌سازی، رسیدن به حکمرانی و نظام انقلابی مطلوب می‌باشد که شرط لازم، برای این کار خودسازی، جامعه‌پردازی و دولت‌سازی هست.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابراهیم‌پور، حبیب و شمس‌السادات زاهدی، ۱۳۹۱، *حکمرانی مبتنی بر پایداری با تأکید بر حفاظت محیطی*، تهران، سمت.
۲. امام‌زاده فرد، پرویز، ۱۳۹۰، «جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب»، *حقوق بشر*، ش ۱.
۳. پورآقایی، سپیده، ۱۳۸۳، «شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی»، گزارش، ش ۱۵۴.
۴. حسینی تاش، سید علی و قادرعلی واثق، ۱۳۹۳، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)»، *اسلام و پژوهش مدیریتی*، ش ۸.

نسبت نظریه نظام انقلابی با حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکرد بر اندیشه مقام معظم رهبری □ ۴۷

۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات ایشان در سال‌های متعدد در سایت: <https://farsi.khamenei.ir/>
۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال اسماعیلی و علیرضا مازگر، ۱۳۹۴، «انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان‌های قدرت در نظام بین‌الملل»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۴۶.
۷. دو ورژه، موریس، ۱۳۷۵، *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر.
۸. ذوعلم، علی، ۱۴۰۱، *برخی مفاهیم اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. رودگر نژاد، فروغ، ۱۴۰۰، «بررسی مؤلفه‌های خودسازی در بیانیه گام دوم انقلاب»، *فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی*، ش ۱.
۱۰. سرپرست، ابراهیم، ۱۳۹۸، «جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، سال نهم، پاییز و زمستان، ش ۲.
۱۱. سردارنیا، خلیل‌الله، ۱۳۹۶، «حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها»، *توسعه*، ش ۴۹.
۱۲. سروش محلاتی، محمد، ۱۳۸۰، «اهداف و آرمان‌های حکومت»، *قبسات*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۵۶-۴۸.
۱۳. شارون، جونل، ۱۳۹۸، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۴. شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۱، «ارزیابی نظریه چرخش انقلاب‌ها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی ایران»، *معرفت سیاسی*، پاییز و زمستان، ش ۲.
۱۵. شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌الله قلی‌پور، ۱۳۸۳، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، *مدیریت*، ش ۴.
۱۶. علویان، مرتضی و محمد زارع‌پور، ۱۳۹۶، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال پنجم، بهار و تابستان، ش ۱۱.
۱۷. قاسمی، غلامعلی و نسرین کردنژاد، ۱۴۰۱، *اصول حکمرانی مطلوب: حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، رهیافت قرآنی و دیدگاه حقوقی*، انتشارات دانشگاه قم.
۱۸. قلی‌پور، رحمت‌الله، ۱۳۸۳، *نقش دولت در حکمرانی خوب*، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۹. قیصری، نورالله و مصطفی قربانی، ۱۳۹۴، «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، مدل برای سنجش و ارزیابی»، *دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*، ش ۲.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲.
۲۱. مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۷۸، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، مطالعات راهبردی.

۲۲. مرشدیزاد، علی، ۱۳۹۶، «حکمرانی خوب، و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، *آینده پژوهشی ایران*، ش ۲.
۲۳. مصطفی قربانی، محسن محمدی الموتی، ۱۳۹۸، «ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی»، *مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب*، دوره ۱، شماره پیاپی ۱.
۲۴. مقصودی، حمیدرضا، ۱۳۹۶، «استخراج شاخصه‌های «نظریه» در اقتصاد متعارف و ارزیابی این شاخصه‌ها مبتنی بر آراء شهید سید محمدباقر صدر»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱۹.
۲۵. موسی‌زاده، ابراهیم، ۱۳۹۹، «اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم»، *حکومت اسلامی*.
۲۶. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، ۱۳۸۳، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران، انتشارات.
۲۷. نادری، مهدی و خدیجه محمدی، ۱۳۹۷، «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، بهار، ش ۴۲.
۲۸. ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۸، «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، *نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین*، ش ۷۶.
۲۹. نوربخش و همکاران، ۱۳۹۸، «جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی علیه‌السلام»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۴۷.
۳۰. نوروزی، محمدجواد، ۱۴۰۰، *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*، تهران، سمت.
۳۱. های، کالین، ۱۳۸۵، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نی.
32. Christiane Arndt & Charles Oman, 2008, "The Politics of Governance Ratings", *Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance*, p. 11.